

دانش و پژوهش
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
علوم تربیتی و روان‌شناسی
شماره یازدهم و دوازدهم - بهار و تابستان ۱۳۸۱
صص ۷۴ - ۴۵

نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر

پژوهشگر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
علیرضا رجایی^۱
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

این مقاله بر اساس یک مطالعه خود-گزارشی از ۴۷۴ دانش‌آموز پسر دبیرستانی در مشهد، توان متغیرهای انتخابی از خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی را در پیش‌بینی رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد مطالعه قرار داد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد معادله مرکب از رفتار انحرافی همسالان، میزان در معرض رسانه‌ها بودن، رفتارهای انحرافی والدین، عدم تأیید رفتارهای انحرافی از طرف همسالان، ارزیابی منفی والدین و ارزیابی منفی معلمان بیشترین مقدار از واریانس رفتار انحرافی نوجوانان را تبیین می‌کند.

مقدمه

یکی از پدیده‌های مهم در دوره نوجوانی که اغلب مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است، بزهکاری و رفتار انحرافی است که معمولاً در این سنین به چشم می‌خورد. تحقیقات در این زمینه در جوامع صنعتی و غربی به‌طور گسترده‌ای

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.

انجام شده است. هر چند که این تحقیقات در بعضی از زمینه‌ها نتایج فرامرزی و در جامعه ما نیز کاربرد دارد. با این حال ساخت جامعه، فرهنگ، سنت‌ها و ارزشهای هر جامعه‌ای با جوامع دیگر متفاوت است. بنابراین ممکن است عوامل تبیین‌کننده پدیده بزهکاری در نوجوانی و همچنین میزان همبستگی هر عامل با این پدیده متفاوت باشد. در ایران، شرایط فرهنگی و اجتماعی خاصی حاکم است. از طرفی به دلیل اینکه ایران کشوری اسلامی است و در آن بر روی نقش ارزشهای اسلامی تأکید فراوان می‌گردد، همچنین به علت نقش زیادی که به خانواده و مدرسه به عنوان نهادهای رسمی جامعه در تعلیم و تربیت نوجوان داده می‌شود، به نظر می‌رسد که نقش این دو نهاد در تبیین بزهکاری نوجوانان بسیار بیشتر از کشورهای غربی باشد. نظارت‌های شدید رفتاری که از طرف نهادهای مختلف در مورد رفتار نوجوانان اعمال می‌گردد نیز تا حد زیادی شرایط و زمینه رفتاری نوجوانان را با کشورهای غربی متفاوت می‌سازد. این تفاوتها و بسیاری از تفاوتهای اجتماعی دیگر باعث شده است تا در این پژوهش نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

در رابطه با بزهکاری نوجوانان نظریه‌های زیادی وجود دارد و تحقیقات فراوانی انجام گرفته است. اما در اینجا نظریه‌هایی که زیر بنای فرضیه‌های این پژوهش هستند و همچنین تحقیقاتی که در رابطه با نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در ایجاد رفتارهای بزهکارانه صورت گرفته است ذکر می‌گردد. نظریه‌های یادگیری بر روی نگرش‌ها، اخلاقیات، مهارتها و رفتارهایی که فرد را آماده بزهکاری می‌کند، تأکید می‌نماید. بنابراین برای رفتارهای ضداجتماعی نیاز است تا فرد نگرش‌ها، رفتارها، و فنون لازم را هم برای انجام رفتارهای جنایی و هم برای حالت‌های هیجانی که بعد از انجام عمل ایجاد می‌شود، بیاموزد. رویکرد رفتاری^۱ در روان‌شناسی و نظریه‌های مرتبط با این دیدگاه مانند نظریه یادگیری-اجتماعی^۲ و نظریه شرطی‌سازی کنشگر^۳ از جمله

1- Behavioral approach 2- Social learning theory
3- Operant conditioning theory

نظریه‌هایی هستند که بر روی یادگیری تأکید می‌کنند. در جامعه‌شناسی نیز نظریه پیوند افتراقی^۱ (DA) در دیدگاه یادگیری قرار می‌گیرد.

به گفته بلک‌برن (۱۹۹۳) هسته اصلی نظریه DA را یادگیری می‌سازد، یعنی رفتارهای بزهکارانه از طریق ارتباط داشتن با افراد بزهکار آموخته می‌شود و از یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌یابد. کوششهای تحقیقاتی نیز برای آزمون اعتبار نظریه پیوند افتراقی انجام گرفته است. شورت^۲ (۱۹۶۰) در قانون اصلاح و تربیت، مطالعه‌ای بر روی ۱۲۶ پسر و ۵۰ دختر انجام داد. او در این مطالعه ارتباط بین بسامد، تقدم و شدت تعامل با همسالان بزهکار و میزان مواجه شدن با بزهکاری و جرم را اندازه‌گیری کرد. او از اندازه‌گیری عواملی مانند تعداد همسالان جوان، میزانی که جوان دست به رفتارهای جنایی زده است و نزدیکی رابطه با بزهکاران استفاده کرد. او دریافت که رابطه پایداری بین رفتارهای بزهکارانه و روابط با همسالان بزهکار، هم برای پسران و هم برای دختران وجود دارد (سیگل و سنا، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰). گرین (۱۹۸۹) در تحقیق دیگری نشان داد که با تأیید نکردن خانواده و همسالان می‌توان از ارتکاب جوانان به جرم جلوگیری کرد. همچنین براوین‌سما (۱۹۹۲) دریافت، جوانانی که اعتقاد داشتند دوستان و خانواده از رفتار انحرافی آنها حمایت می‌کنند، نسبت به نقض قوانین احساس آزادی داشتند و آنهایی که احساس می‌کردند دوستان و خانواده از رفتار آنها راضی نیستند از رفتار جنایی دست برداشتند.

در این پژوهش رابطه رفتار انحرافی والدین، رفتار انحرافی همسالان و میزان تأیید نکردن رفتار انحرافی از طرف همسالان با رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد که در چهارچوب نظریه پیوند افتراقی (DA) و یا به‌طور کلی‌تر نظریه‌های یادگیری قرار دارد.

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی^۳ هیرشی (۱۹۶۹) پیوندهای فرد با نهادهای اجتماعی مهمترین عامل در مهار رفتارهای بزهکارانه است. با ضعیف شدن یا شکسته شدن این پیوندها، محدودیت‌هایی که اجتماع برای اعضای خود قرار داده است برچیده

1- Differential association theory

2- Short

3- Social control theory

می‌شود و فرد ممکن است قانون‌شکن گردد. برخلاف بسیاری از نظریه‌های دیگر نظریه کنترل اجتماعی فرض می‌کند که تمام افراد به‌طور بالقوه بزهکار و جنایتکارند و اینکه کنترل‌های اجتماعی - نه نگرش‌های اخلاقی - باعث حفظ قانون و نظم می‌شوند. بدون کنترل اجتماعی و نبود علاقه‌مندی به دیگران، یک جوان آزاد است تا مرتکب اعمال جنایی شود (سیگل و سنا، ۱۹۹۷).

هیرشی (۱۹۶۹) برای آزمون نظریه کنترل اجتماعی خود یک تحقیق زمینه‌یابی خود-گزارشی را بر روی ۴۰۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی در کالیفرنیا انجام داد. هیرشی دریافت، جوانانی که به‌شدت به والدین خود دل بسته بودند، حتی والدین جنایتکار، احتمال کمتری داشت که به بزهکاری دست بزنند. او همچنین دریافت که نبود دل بستگی به مدرسه و تحصیلات عامل مهمی در بزهکاری است. علاوه بر این دریافت، جوانانی که روابط نزدیکی با دوستان خود دارند، احتمال کمتری وجود دارد که درگیر بزهکاری شوند.

بر اساس نظریه برچسب^۱، جوانان، ممکن است به دلایل مختلفی مانند روابط ضعیف خانوادگی، تضادهای طبقاتی، فشار گروهی، ناهنجاریهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی و تجربه‌های یادگیری قوانین را نقض کنند. بی‌توجه به علل این رفتار، جوانان بزهکار از طریق عوامل قانونی و مدیران مدرسه، تشخیص داده می‌شوند و برچسب اجتماعی منفی به آنها زده می‌شود که ممکن است در تمام زندگی همراه آنها باشد. این برچسب شامل «جوان بزهکار»، «بیمار روانی» «عقب‌مانده ذهنی»، «دزد»، «قاتل» و غیره است. برچسب و داغ زدن به ایجاد یک هویت جدید منحرف کمک می‌کند. آنهایی که در معرض برچسب‌های منفی جامعه هستند تجربه خود-پردشگی^۲ را خواهند داشت و خود-انگاره^۳ آنها پایین خواهد آمد. در چنین شرایطی احتمال رفتار بزهکارانه در فرد بالا خواهد رفت (فلاورز، ۱۹۸۶).

در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده درباره بزهکاری نوجوانان به اهمیت خانواده در ایجاد رفتارهای انحرافی تأکید شده است. در کتابهای مربوط به بزهکاری تأثیر چهار زمینه خانوادگی را در شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه مورد تأکید قرار

داده‌اند، از هم‌گسیختگی خانوادگی^۱، تعارض خانوادگی^۲، غفلت خانوادگی^۳ و انحراف خانوادگی^۴. هترینگتون و کاکس (۱۹۷۸-۱۹۸۲) در ارتباط با از هم‌گسیختگی خانوادگی در یک مطالعه طولی عنوان کردند، یک یا دو سال پس از طلاق بحران شدیدی در خانواده ایجاد می‌شود. هترینگتون و دیگران همچنین دریافتند که کودکان به‌خصوص پسران در این دوره نافرمان و پرخاشگر هستند و مشکلات رفتاری بیشتری در کلاس و عزت نفس پایین‌تری دارند (کاپالدی و پاترسون، ۱۹۹۱).

در رابطه با تعارض خانوادگی در تحقیقی که هنینگ^۵ و دیگران (۱۹۹۶) در یک نمونه از ۶۱۷ نفر از زنان ۱۹ تا ۸۷ ساله در ورمونت انجام دادند مشخص گردید کسانی که در کودکی شاهد خشونت والدین بودند دارای ناراحتی‌های روان‌شناختی بیشتر و سازگاری اجتماعی پایین‌تر هستند (بارنت، سیندی^۶، میلر، روبین^۷، ۱۹۹۷).

همچنین وارن^۸ و جانسون^۹ (۱۹۸۹) در ارتباط با غفلت خانوادگی عنوان کردند؛ جوانانی که والدین از آنها غافل شده‌اند و یا کمبود محبت خانوادگی دارند احتمال بیشتری دارد که درگیر بزهکاری و خلاف‌هایی مانند فرار از خانه و مدرسه شوند (سیگل و سنا ۱۹۹۷). هاو (۱۹۹۵) بیان می‌کند که روابط صمیمانه و دلبستگی مطمئن با والدین، با عزت نفس^{۱۰} و خود ارزشمندی^{۱۱} کودکان رابطه دارد. هرن کوهل (۱۹۹۷) در یک مطالعه طولی ۱۶ ساله مشخص کرد که تنبیه بدنی سخت، کیفیت پایین روابط با مادر و تجربه مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن در کودکی با رفتار ضرب و شتم نوجوانی ارتباط دارد.

والدین منحرف که خود درگیر رفتارهای ضد اجتماعی هستند ممکن است به طریقی در بزهکاری نوجوانان خود نقش داشته باشند. مهمترین تحقیق در این زمینه مطالعه کمبریج^{۱۲} است. در این مطالعه ۳۷/۹ درصد از پسران ۱۰ ساله‌ای که بزهکار بودند والدینی داشتند که حداقل یک گزارش جنایی داشتند که در مقایسه با ۱۴/۶ درصد در غیر بزهکاران تفاوتی آشکار است. بروز جرم در خانواده، همچنین جنایت در

1- Family breakup

2- Family conflict

3- Family neglect

4- Family deviance

5- Haning

6- Cindy

7- Robin

8- Warren

9- Johnson

10- Self-Esteem

11- Self-worth

12- Cambridge

بعد از ۲۰ سالگی و محکومیت به علت خشونت را نیز پیش‌بینی می‌کند (فرینگتون^۱ و وست^۲، ۱۹۹۰، به نقل از بلک برن، ۱۹۹۳).

هر چند که در اوایل زندگی مهمترین منبع تربیتی تأثیرگذار روابط والدین است، اما با رشد تدریجی کودک، ارتباط با همسالان نقش مهمتری در زندگی فرد پیدا می‌کند. فالبرگ^۳ (۱۹۹۱) عنوان می‌کند که نوجوانان سعی می‌کنند به چهار سؤال درباره خودشان جواب بدهند: الف) چه کسی هستم؟ ب) به کجا تعلق دارم؟ ج) چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ د) به چه چیز اعتقاد دارم؟ (به نقل از هاو، ۱۹۹۵). در زمانی که نوجوانان از خانواده جدا می‌شوند به ارتباط با همسالان روی می‌آورند، ارتباط با همسالان کمک زیادی به یافتن جوابهای مناسب برای پرسشهای مطرح شده می‌نماید. پذیرش و طرد از گروه تأثیر عمیقی بر روی رفتارهای نوجوانان دارد. جوانان پذیرفته شده در مدرسه و مکانهای اجتماعی به خوبی عمل می‌کنند. برعکس، جوانانی که همسالان آنها را طرد کرده‌اند احتمال بیشتری دارد که رفتار پرخاشگرانه نشان دهند و در فعالیتهای گروه از طریق رفتار ضد اجتماعی خلل وارد کنند (سیگل و سنا، ۱۹۹۷). آمارها نشان می‌دهد که رفتارهای انحرافی در گروههای کوچک بیشتر رخ می‌دهند تا به تنهایی، این فرایند «تخلف مشترک^۴» نامیده می‌شود. برای مثال مریلند^۵ و آلمن ۱۹۸۰ (به نقل از بلک برن، ۱۹۹۳) دریافتند که حدود ۲/۳ درصد از تخلف‌ها در گروههای کوچک دو یا سه نفره رخ می‌دهد. با این حال تخلف گروهی، برای جرایم غیر خشونت‌آمیز بیشتر از جرایم خشونت‌آمیز بود (۵۷ درصد در برابر ۴۲ درصد).

یک سؤال اساسی در این زمینه این است که آیا داشتن همسالان ضد اجتماعی باعث بزهکاری جوانان می‌شود و یا اینکه جوانان بزهکار چون خود تخلف می‌کنند در جست‌وجوی همانند خود هستند. از نظر هیرشی (۱۹۶۹) عامل کلیدی در ارتکاب بزهکاری، ضعیف شدن پیوندها بین نوجوانان و خانواده، مدرسه و همسالان است. بنابراین در صورت ضعیف شدن چنین پیوندی چه به تنهایی و چه با گروه، فرد مرتکب بزهکاری می‌شود. از نظر هیرشی پیوند با گروه همسالان هر چند که منحرف باشد باز مفید است.

1- Farrington

2- West

3- Falberg

4- Co-offending

5- Maryland

با این حال لیندن^۱ و هکلر^۲ (۱۹۷۳) در یک مطالعه خود گزارشی عنوان کردند که بالاترین سطح بزهکاری در کسانی دیده شد که کمترین دل بستگی را با والدین و همسالان قانونمند و بیشترین همبستگی را با همسالان منحرف خود داشتند (بلک برن، ۱۹۹۳).

گلوک و گلوک^۳ (۱۹۵۰) عنوان می‌کنند که گروه همسالان تفاوت اندکی را در استعداد بزهکاری که قبل از ارتباط وجود داشته است به وجود می‌آورد. از نظر آنها گروه‌های همسال بزهکار نتیجه «پرواز پرندگان» با یکدیگر است (نقل از بلک برن، ۱۹۹۳). به عبارت دیگر این تمایل و استعداد خاص خود جوانان بزهکار است که آنها را گرد یکدیگر جمع می‌کند و تشکیل گروه می‌دهند. با این حال بر اساس نظریه‌های یادگیری جوانانی که روابط دوستانه با بزهکاران دارند احتمال بیشتری دارد که بزهکار شوند، صرف نظر از ساخت شخصیتی و سرپرستی که در خانه صورت می‌گیرد (سیگل و سنا، ۱۹۷۷).

در مطالعه پیگیر^۴ ۴ ساله‌ای که مک برید - جوی^۵، سیمپسون^۶ (۱۹۹۱) بر روی ۱۱۰ آمریکایی - مکزیکی (۱۳ تا ۱۷ ساله) از طبقات پایین اجتماع انجام دادند، مشخص گردید که تأثیرات والدین فقط قدرت پیش‌بینی اندکی بر روی پیامدهای پیگیری شده دارد، در حالی که ارتباط با همسالان منحرف اثر عمیق‌تری داشته و قویاً با استفاده از الکل و دارو مرتبط است. در همین زمینه، مطالعه چانگ (۱۹۹۴) در هنگ‌کنگ بر روی نوجوانان نشان داد که رفتار انحرافی همسالان بهترین عامل پیش‌بین برای رفتار انحرافی نوجوانان است.

ارزیابی همسالان و دوستان در احساس ارزشمندی و شایستگی خود - تصویری^۷ دخالت دارد. کولی (۱۹۹۱) در تحقیقی که بر روی دانش‌آموزان کلاس چهارم در مدرسه انجام داد، خود - ارزشمندی کلی و شایستگی خود - تصویری را در ابتدا و انتهای سال تحصیلی در زمینه‌های شایستگی اجتماعی، تحصیلی و ورزشی بررسی نمود و مشخص کرد که هم ارزیابی همسالان و هم معلمان از کودکان با تغییرات شایستگی خود - تصویری کودکان ارتباط دارد.

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی، دل بستگی به مدرسه منع‌کننده بسیار مهمی از رفتارهای ضد اجتماعی است. بعضی از دانش‌آموزان در معنی دادن به تکالیف مدرسه و

1- Linden

2- Hackler

3- Gluek & Gluek

4- Follow-up study

5- Joe

6- Simpson

7- Self-Perceived Competence

پیوند با مدرسه مشکل دارند. موقعیت‌هایی مانند تجربه شکست و طرد شدن از طرف اولیای مدرسه، همکلاسی‌ها، ممکن است در ضعیف شدن دلبستگی به مدرسه سهم داشته باشد. هولدن^۱ و دویر^۲ (۱۹۹۲) خاطر نشان ساختند که ترک مدرسه به معنی طرد آموزش نیست، بلکه طرد ساختارهایی است که در نظام مدرسه وجود دارد. دلبستگی و تعهد در بسیاری از نوشته‌های تربیتی هم در سطح مدرسه و هم در کالج با یکپارچگی اجتماعی ارتباط دارد (نقل شده از کاترل^۳، ۱۹۹۶). برای دانش‌آموزانی که نه مدرسه را دوست دارند و نه درباره عقاید معلم خود تفکر می‌کنند احتمال بیشتری وجود دارد که مرتکب بزهکاری شوند، در مقابل برای دانش‌آموزانی که مدرسه را دوست دارند و در فعالیتهای مدرسه زیاد شرکت می‌کنند احتمال کمتری وجود دارد که درگیر بزهکاری شوند (هیرشی، ۱۹۶۹).

تحقیقات اخیر نشان داده است که معلمان نقش بسیار مهمی در رشد کودکان دارند (اکلس^۴ و دیگران ۱۹۹۳، تامپسون^۵، ۱۹۸۷، ویسلر^۶، ۱۹۹۱، نقل از لرنر و کراگر ۱۹۹۷)، برای مثال تامپسون (۱۹۸۷) دریافت که گفت‌وگو و مشاوره معلمان با دانش‌آموزان با نگرشهای مثبت به مدرسه و همچنین غیبت کمتر از مدرسه، عملکرد تحصیلی بالاتر، و بهبود خودپنداری در دانش‌آموزان مربوط است (لرنر و کراگر ۱۹۹۷). ویسلر (۱۹۹۱) اظهار داشت تجربه مثبت کودکان با معلمان تأثیرات تصور منفی از خود را کاهش می‌دهد (لرنر و کراگر ۱۹۹۷). همان‌طوری که ارزیابی ضعیف از طرف والدین ممکن است باعث رفتار انحرافی در کودکان گردد، برچسب منفی از طرف معلمان نیز ممکن است تأثیرات مخربی داشته باشد. در تحقیقی که منارد^۷ و مورس^۸ انجام دادند، دریافتند که برچسب منفی تصور شده در مدرسه، همراه با بزهکاری همسالان، واریانس بیشتری از بزهکاری خود گزارش شده نوجوانان ۱۳ ساله را تبیین می‌کند تا متغیرهای دیگری مانند عملکرد تحصیلی و هوش آنها را (بلک‌برن، ۱۹۹۳).

در دنیای امروز نقش رسانه‌های گروهی بر روی یادگیری رفتارهای اجتماعی کودکان غیر قابل انکار است. اما همان‌طوری که رفتارهای اجتماعی از طریق رسانه‌های

1- Holden

2- Dwyer

3- Cotterell

4- Eccles

5- Thompson

6- Whisler

7- Menard

8- Morse

گروهی قابل یادگیری است، رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی نیز می‌تواند از این طریق آموخته شود. از بین رسانه‌های گروهی اغلب مطالعات و پژوهشها بر روی نقش برنامه‌های خشن تلویزیون در یادگیری رفتارهای پرخاشگرانه متمرکز شده است. ظاهراً کودکان نسبت به تصویرسازیهای تلویزیون حساس‌تر هستند. این عقیده وجود دارد که بسیاری از کودکان تصاویر تلویزیون را حقیقی قلمداد می‌کنند. با توجه به این واقعیت بعضی از کودکان به خصوص آنهایی که آشفتگی‌های هیجانی دارند، ممکن است قادر به تمایز بین واقعیت‌ها و خیالپردازی‌هایی که در تلویزیون نمایش داده می‌شود نباشند (اسپرافکین^۱ و داسولت^۲، ۱۹۸۶).

اشتین^۳ و فریدریچ^۴ (۱۹۷۲) در یک مطالعه میدانی کنترل شده که با کودکان پیش‌دبستانی در یک اردوی تابستانی ۹ هفته‌ای انجام دادند، کودکان را به سه دسته تقسیم کردند و مجموعه‌ای از برنامه‌های تلویزیونی را طی دو هفته برای آنها نشان دادند. یک گروه فیلمهای کارتونی جنگی، گروه دوم برنامه‌های معمولی بدون خشونت، گروه سوم برنامه‌هایی که جنبه اجتماعی و همکاری را تشویق می‌کرد، مشاهده کردند. در طول مدت اردو رفتار آنها مورد مشاهده قرار گرفت. مشاهدات نشان داد، پسرانی که فیلمهای کارتونی پرخاشگرانه دیده بودند، پرخاشگری بیشتری نسبت به گروههای دیگر از خود نشان دادند و همچنین پسران و دخترانی که برنامه‌های اجتماعی را تماشا کرده بودند، رفتارهای حاکی از تعاون و همکاری و کنترل رفتار بیشتری از خود نشان دادند (هیرش^۵، ۱۹۹۷).

ویلیامز (۱۹۸۶) در یک بررسی طولی، جامعه‌ای در شمال کانادا را قبل از اینکه تلویزیون وارد این منطقه شود و بعد از دو سال ورود تلویزیون از نظر پرخاشگری پسران و دختران مورد مقایسه قرار داد. او دریافت که پسران و دختران بعد از ورود تلویزیون پرخاشگرتر از پسران و دختران در همان سنین قبل از ورود تلویزیون شده بودند (هیرش، ۱۹۹۷). در تحقیق چانگ (۱۹۹۴) در هنگ‌کنگ رابطه سه متغیر از رسانه‌های گروهی با رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت. این سه متغیر میزان در

1- Sprafkin

2- Dussault

3- Stein

4- Feriedrich

5- Hirsch

معرض رسانه‌ها بودن، ترجیح محتوای با خشونت یا بدون خشونت و تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها بودند. نتایج این تحقیق نشان داد که این سه متغیر رابطه مثبتی با بزهکاری داشتند. در میان این سه متغیر ترجیح محتوای با خشونت یا بدون خشونت بیشترین رابطه را با بزهکاری نوجوانان داشت.

با اینکه نقش رسانه‌های گروهی امروزه در یادگیری رفتارها غیرقابل انکار است، اما هنوز تحقیقات انجام شده درباره نقش رسانه‌های گروهی در جرم و بزهکاری نتایج همسانی به دست نداده است. در بررسی متون مربوط به تأثیرات کوتاه مدت و بلندمدت رسانه‌های گروهی در رفتارهای پرخاشگرانه فلسون^۱ (۱۹۹۶) عنوان کرد که هنوز نقش رسانه‌های گروهی در رفتارهای جنایی کاملاً روشن نیست. آزمایش‌های آزمایشگاهی از این فرضیه که دیدن فیلم‌های خشن رفتار پرخاشگرانه را سبب می‌شوند، حمایت می‌کنند (لیبرت^۲ و شوارتزبرگ^۳، ۱۹۹۷)، اما این مطالعات از نظر تعمیم به دنیای واقعی مورد انتقاد قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش

نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۴۷۴ دانش آموز پسر دوره دبیرستان است. برای دست یافتن به این نمونه از کلیه نواحی هفتگانه شهرستان مشهد با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۸ کلاس به طور تصادفی انتخاب گردید و پرسشنامه مورد نظر بر روی تمامی دانش آموزان این کلاسها اجرا شد. در نمونه‌گیری سعی گردید از هر یک از نواحی هفتگانه دو یا سه دبیرستان انتخاب شود تا از تمام شهر مشهد در این نمونه شرکت داشته باشند. علاوه بر این، نمونه‌گیری فقط شامل دبیرستان‌های دولتی می‌گردید.

ابزار اندازه‌گیری

برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل (رسانه‌های گروهی، خانواده، مدرسه و همسالان) و همچنین اندازه‌گیری متغیر وابسته رفتارهای انحرافی نوجوانان پرسشنامه‌ای با ۹۲ سؤال توسط محقق ساخته شد که در نمره‌گذاری آن از روش پنج درجه‌ای لیکرت استفاده گردید.

نمونه‌هایی از سؤالهای مربوط به هر متغیر در ضمیمه آمده است. تعدادی از استادان بعد از بررسی پرسشها، روایی محتوای آن را تأیید کردند. علاوه بر این در یک مطالعه مقدماتی همبستگی سؤالهای هر مقیاس با نمره کل مقیاس محاسبه گردید تا سؤالهایی که همبستگی معنی داری ندارند، حذف گردند. اعتبار این پرسشنامه از طریق بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت، که در ذیل ضمن توضیح هر یک از متغیرها مقدار اعتبار هر کدام گفته شده است (برای اطلاعات بیشتر در این خصوص به ضمیمه مراجعه نمایید).

متغیرها

متغیرهای مستقل

متغیرهای خانواده: همان طوری که عنوان گردید دل بستگی به والدین یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی نوجوانان است. بر همین اساس اولین متغیر انتخابی از خانواده در این پژوهش دل بستگی نوجوانان به والدین است. برای اندازه گیری این متغیر سؤالهایی در پرسشنامه منظور گردید تا کیفیت روابط نوجوان و پدر و مادر را اندازه گیری کند. فرض شده است که دل بستگی نوجوانان به والدین با رفتارهای انحرافی آنها رابطه معکوس دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۹۱ درصد به دست آمده است (فرضیه نخست).

بر اساس نظریه برجسب ارزیابی منفی والدین از نوجوان باعث می گردد که نوجوانان هویت نامناسبی از خود داشته باشند که می تواند در ایجاد رفتارهای انحرافی مؤثر باشد. بنابراین ارزیابی منفی والدین از نوجوان دومین متغیر مربوط به خانواده است که با سؤالهای خاصی از پرسشنامه مورد نظر اندازه گیری می شود. فرض شده است که ارزیابی منفی والدین از نوجوان با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه مثبت دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۸۳٪ به دست آمده است (فرضیه دوم).

رفتارهای انحرافی والدین باعث می گردد که نوجوانان رفتارهای بزهکارانه را از والدین خود بیاموزند. بر همین اساس سومین متغیر خانواده رفتارهای انحرافی والدین است که به کمک سؤالهایی از پرسشنامه میزان رفتارهای انحرافی والدین و سابقه این رفتارها از نوجوان پرسیده می شود. در این پژوهش فرض شده است که رفتارهای

انحرافی والدین با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه مثبت دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۹۱٪ به دست آمده است (فرضیه سوم).
 متغیرهای مدرسه: بر اساس نظریه کنترل هیرشی، دلبستگی به نهادهای مختلف مانند خانواده، مدرسه، عامل بازدارنده‌ای برای رفتارهای انحرافی نوجوانان است. اولین متغیر مدرسه در این پژوهش دلبستگی نوجوان به مدرسه است که از طریق سؤالهای ویژه‌ای از پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود. فرض شده است که دلبستگی به مدرسه با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه منفی دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۸۹٪ به دست آمده است (فرضیه چهارم).

دومین متغیر مربوط به مدرسه، ارزیابی منفی معلمان از نوجوان است. در پرسشنامه سؤالهای ویژه‌ای برای اندازه‌گیری نحوه ارزیابی معلم از نوجوان طرح‌ریزی شده است که از آنها سؤال می‌گردد. چنین فرض شده است که ارزیابی منفی معلمان از نوجوانان با رفتارهای انحرافی آنان رابطه مثبت دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۷۸٪ به دست آمده است (فرضیه پنجم).

متغیر سوم مربوط به مدرسه عملکرد تحصیلی است که از طریق پرسشنامه و سؤال در ارتباط با معدل تحصیلی از نوجوان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر چه معدل تحصیلی بالاتر باشد رفتارهای انحرافی کمتر خواهد بود. بنابراین رابطه منفی برای این دو متغیر در نظر گرفته شده است. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه بازآزمایی ۹۰٪ به دست آمده است (فرضیه ششم).

متغیرهای همسالان: بر اساس نظریه‌های یادگیری ارتباط با همسالان منحرف باعث کسب رفتارهای انحرافی از طرف نوجوانان می‌گردد. اولین متغیر مربوط به همسالان، رفتارهای انحرافی همسالان است، که از طریق سؤالهای ویژه‌ای در پرسشنامه از نوجوان پرسیده می‌شود. هرچه رفتارهای انحرافی همسالان بالاتر باشد احتمال رفتارهای انحرافی از طرف نوجوان هم بالاتر خواهد بود. مقدار اعتبار این مقیاس با استفاده از شیوه بازآزمایی ۸۸٪ به دست آمده است (فرضیه هفتم).

متغیر دوم از گروه همسالان ارزیابی منفی همسالان از نوجوان است. بر اساس نظریه برچسب، هرچه نوجوان برچسب‌های منفی بیشتری از گروه دریافت کند احتمال رفتارهای بزهکارانه هم بالاتر خواهد رفت. این متغیر نیز به کمک سؤالهایی در

پرسشنامه از نوجوان پرسیده می‌شود. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۸۴٪ به دست آمده است (فرضیه هشتم).

عدم تأیید رفتارهای انحرافی از طرف همسالان به عنوان یک عامل کنترل‌کننده ممکن است باعث جلوگیری از رفتارهای انحرافی نوجوانان گردد. سومین متغیر مربوط به همسالان، میزان عدم تأیید رفتارهای انحرافی از طرف همسالان است که با سؤالهای خاصی از پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود. فرض شده است که این متغیر با رفتارهای انحرافی همسالان رابطه منفی داشته باشد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۸۳٪ به دست آمده است (فرضیه نهم).

متغیرهای رسانه‌های گروهی: در این پژوهش منظور از رسانه‌های گروهی تلویزیون، مجلات، روزنامه و فیلمهای ویدئویی و سینمایی است. اولین متغیر در رسانه‌های گروهی میزان در معرض رسانه‌ها بودن یا به عبارت دیگر میزان استفاده از رسانه‌ها است. این متغیر از طریق سؤالهایی از پرسشنامه در مورد میزان استفاده نوجوانان از رسانه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. فرض شده است که میزان در معرض رسانه‌ها بودن رابطه مثبت با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارد. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۹۴٪ به دست آمده است (فرضیه دهم).

دومین متغیر مربوط به رسانه‌ها، ترجیح محتوای خشن رسانه‌هاست، این متغیر میزان علاقه‌مندی نوجوان به دیدن فیلمها، یا خواندن مطالبی که همراه با خشونت هستند را اندازه‌گیری می‌کند. فرض شده است که هرچه علاقه‌مندی به محتوای خشن در رسانه‌ها بیشتر باشد، میزان رفتارهای انحرافی نوجوان هم بیشتر خواهد بود. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۸۹٪ به دست آمده است (فرضیه یازدهم).

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی مشاهده رفتار دیگران باعث یادگیری رفتار خواهد شد. علاوه بر این تمایل به تقلید از رفتارهای دیگران ممکن است در افراد متفاوت باشد. سومین متغیر مربوط به رسانه‌ها میزان تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها^۱ است. این متغیر نیز از طریق سؤالهایی در پرسشنامه سنجیده می‌شود. فرض شده است

که هرچه تمایل به تقلید از رفتار شخصیتها و نقش‌های منفی رسانه‌ها بیشتر باشد احتمال انجام دادن رفتارهای بزهکارانه نیز بالاتر است. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۸۸٪ به دست آمده است (فرضیه دوازدهم).

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش رفتار انحرافی نوجوانان است که با سؤالی در پرسشنامه مورد نظر اندازه‌گیری می‌شود. در این سؤالا از نوجوان درباره تعدادی از رفتارهای بزهکارانه سؤال می‌شود تا گزارش دهد که چقدر مرتکب چنین رفتارهایی شده است. مقدار اعتبار مقیاس مربوط به این متغیر با استفاده از شیوه‌بازآزمایی ۸۴٪ به دست آمده است.

شیوه اجرا

پس از آماده شدن پرسشنامه مورد نظر و انجام مطالعه مقدماتی برای محاسبه روایی و اعتبار پرسشنامه، و همچنین مشخص شدن کلاسهای نمونه به این کلاسها مراجعه گردید. قبل از اجرای پرسشنامه در هر کلاس ابتدا برای جلب همکاری دانش‌آموزان توضیحاتی درباره پژوهش به آنان داده شد. علاوه بر این برای همکاری صادقانه دانش‌آموزان از آنان خواسته شد تا از نوشتن مشخصات فردی خودداری نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، نمره هر یک از مقیاسهای سیزده‌گانه برای هر آزمودنی ثبت گردید. همان‌طور که عنوان گردید، ۱۲ مقیاس این پرسشنامه متغیرهای مستقل (خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه‌های گروهی) و یک مقیاس پرسشنامه متغیر وابسته (رفتار انحرافی نوجوانان) را اندازه‌گیری می‌کنند. روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش محاسبه همبستگی و رگرسیون چندمتغیره است. ابتدا قبل از اینکه رگرسیون محاسبه شود، همبستگی انفرادی هر یک از متغیرهای مستقل دوازده‌گانه و متغیر وابسته با رفتارهای انحرافی نوجوانان محاسبه شده است که این همبستگی‌ها و معنی‌دار بودن آنها در جدول ۱ ثبت گردیده است.

جدول ۱- همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رفتارهای انحرافی نوجوانان

مقدار همبستگی r	متغیرهای مستقل
متغیرهای رسانه‌ها	
۰/۲۹ **	میران در معرض رسانه‌ها بودن
۰/۲۶ **	ترجیح محتوای خشن رسانه
۰/۱۲ *	تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها
متغیرهای خانواده	
-۰/۲۶ **	دلستگی به والدین
۰/۳۲ **	ارزیابی منفی والدین از نوجوان
۰/۳۶ **	رفتارهای انحرافی والدین
متغیرهای همسالان	
۰/۶۷ **	رفتار انحرافی همسالان
۰/۱۸ **	ارزیابی منفی همسالان از نوجوان
-۰/۴۸ **	عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان
متغیرهای مدرسه	
-۰/۴۱ **	دلستگی به مدرسه
۰/۲۹ **	ارزیابی منفی معلمان از نوجوان
-۰/۱۷ **	عملکرد تحصیلی

* $P < ۰/۰۱$

$N = ۴۷۴$

** $P < ۰/۰۰۱$

جدول ۱ نشان می‌دهد که متغیرهای رسانه‌های گروهی همبستگی قابل توجهی با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارند. در میان متغیرهای رسانه‌های گروهی میزان در معرض رسانه‌ها بودن با ضریب همبستگی ۰/۲۹ بیشترین همبستگی را با رفتارهای

انحرافی نوجوانان دارد. این همبستگی مثبت است. یعنی هرچه بزهکاری نوجوانان بالاتر بوده است بیشتر در معرض رسانه‌های گروهی بوده‌اند.

همبستگی متغیر دوم در این گروه یعنی ترجیح محتوای خشن رسانه‌ها ۰/۲۶ و مثبت است. یعنی هرچه رفتارهای انحرافی نوجوانان بیشتر بوده است، علاقه‌مندی به تقلید بیشتری داشته‌اند. در بین متغیرهای رسانه‌ها، تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها پایین‌ترین رابطه (۰/۱۲) را با رفتارهای انحرافی دارد. با این حال این رابطه مثبت است و نشان می‌دهد که تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه مستقیم دارد. همبستگی متغیرهای میزان در معرض رسانه‌ها بودن و ترجیح محتوای رسانه‌های خشن با رفتارهای انحرافی نوجوانان در سطح $P < 0/001$ و همبستگی متغیر تقلید از شخصیت‌ها در سطح $P < 0/01$ از نظر آماری معنی‌دار هستند.

در گروه متغیرهای خانواده، رفتار انحرافی والدین بالاترین رابطه را با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارد. مقدار این همبستگی برابر با ۰/۳۶ است. این همبستگی مثبت است، یعنی هرچه رفتارهای انحرافی والدین بیشتر بوده، رفتارهای انحرافی نوجوانان هم بیشتر بوده است. با این حال متغیرهای دیگر این گروه نیز دارای همبستگی متوسطی با رفتارهای انحرافی بوده‌اند. متغیر ارزیابی منفی والدین از نوجوانان با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارای همبستگی برابر با ۰/۳۲ است. این همبستگی مثبت است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین ارزیابی منفی والدین از نوجوان و رفتارهای انحرافی نوجوانان است. متغیر دل‌بستگی به والدین در این گروه با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارای همبستگی برابر با ۰/۲۶- است که این همبستگی منفی است. یعنی هرچه دل‌بستگی نوجوان به والدین کمتر باشد، رفتارهای انحرافی نوجوان بیشتر است. همبستگی تمامی متغیرهای خانواده در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی‌دار هستند. دو متغیر از متغیرهای مربوط به همسالان دارای همبستگی نسبتاً بالایی با رفتارهای انحرافی نوجوانان هستند. رفتار انحرافی همسالان بیشترین همبستگی را در بین تمامی متغیرهای دوازده‌گانه دارد. مقدار این همبستگی ۰/۶۷ است که این همبستگی مثبت است و نشان می‌دهد که هر چه رفتار انحرافی همسالان بیشتر باشد، رفتار انحرافی نوجوان نیز بیشتر است. مقدار همبستگی عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان با رفتارهای انحرافی نوجوانان برابر با ۰/۴۸- است که همبستگی نسبتاً بالایی است. این همبستگی منفی است یعنی هر چه تأیید رفتار انحرافی از طرف

همسالان بیشتر باشد، رفتارهای انحرافی نوجوان بیشتر خواهد بود. در این گروه ارزیابی منفی همسالان کمترین رابطه را با رفتارهای انحرافی دارد که مقدار آن برابر با $0/18$ است. این همبستگی مثبت است و نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این دو متغیر است. همبستگی تمامی متغیرهای مربوط به همسالان با رفتارهای انحرافی نوجوانان در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی دار هستند.

در نهایت اینکه در گروه مدرسه، نیز رابطه متوسطی بین متغیرهای مستقل این گروه با رفتارهای انحرافی نوجوانان وجود دارد. در بین این گروه دلستگی به مدرسه دارای بیشترین همبستگی ($-0/41$) با رفتارهای انحرافی است. این همبستگی منفی است که نشان‌دهنده رابطه معکوس بین دلستگی به مدرسه و رفتارهای انحرافی نوجوان است. مقدار همبستگی ارزیابی منفی معلمان از نوجوانان با رفتارهای انحرافی نوجوانان برابر با $0/29$ است. این همبستگی مثبت است و نشان‌دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر با یکدیگر است. در بین این گروه از متغیرها عملکرد تحصیلی دارای کمترین مقدار همبستگی ($-0/17$) با رفتارهای انحرافی است. این همبستگی منفی است و نشان‌دهنده رابطه معکوس بین عملکرد تحصیلی و رفتارهای انحرافی نوجوانان است. همبستگی تمام متغیرهای مدرسه با رفتارهای انحرافی نوجوانان در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی دار هستند.

محاسبه رگرسیون چند متغیره

با توجه به اینکه هر دوازده متغیر در یک همبستگی دوگانه، با متغیر وابسته یعنی بزهکاری نوجوانان رابطه دارند، با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره به بررسی تأثیر این متغیرها، که رفتارهای انحرافی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند، پرداخته شد تا مشخص گردد که آیا بعضی از این همبستگی‌ها هنگامی که متغیرهای دیگر در معادله رگرسیون وارد شوند معنی‌داری همبستگی خود را از دست خواهند داد؟ و کدام یک از این متغیرها، رفتارهای انحرافی نوجوانان را بهتر پیش‌بینی خواهند کرد؟ هرچند که روشهای مختلفی برای انجام رگرسیون چند متغیره وجود دارد، اما در این پژوهش ابتدا از روش اتر^۱ استفاده شده است، زیرا در این روش تمامی متغیرها وارد معادله شده و سهم تمامی متغیرها محاسبه می‌گردد. سپس معنی دار بودن هر یک از متغیرها با استفاده از آزمون t نشان داده می‌شود.

جدول ۲- رگرسیون چندمتغیره از رفتار انحرافی نوجوانان بر روی تمامی متغیرهای رسانه‌های گروهی، خانواده، همسالان و مدرسه (N=۴۷۴)

متغیر وابسته: رفتار انحرافی نوجوانان (D)				
متغیرهای مستقل	بتا	خطای استاندارد	T	معنی دار بودن t
متغیرهای رسانه‌ها				
میزان در معرض رسانه‌ها بودن	۰/۱۳۵	۰/۰۶۷	۳/۹۵۴	۰/۰۰۰۱ ***
ترجیح محتوای رسانه‌های خشن	۰/۰۲۷	۰/۰۳۹	۰/۷۶۹	۰/۴۴۲۴ -
تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها	۰/۰۰۰۳۲	۰/۰۴۴	-۰/۰۱۰	۰/۹۹۲۳ -
متغیرهای خانواده				
دلبستگی به والدین	۰/۰۱۹	۰/۰۴۸	۰/۴۷۴	۰/۶۳۵۸ -
ارزیابی منفی والدین از نوجوان	۰/۰۸۹	۰/۰۶۱	۲/۲۷۲	۰/۰۲۳۶ *
رفتار انحرافی والدین	۰/۱۴۱	۰/۰۷۹	۳/۸۶۱	۰/۰۰۰۱ ***
متغیرهای همسالان				
رفتار انحرافی همسالان	۰/۴۶۷	۰/۰۳۴	۹/۸۷۱	۰/۰۰۰۰ ***
ارزیابی منفی همسالان از نوجوان	-۰/۰۵۴	۰/۰۸۹	-۱/۴۷۴	۰/۱۴۱۱ -
عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان	-۰/۰۹۹	۰/۰۶۲	-۲/۳۴۹	۰/۰۱۹۲ *
متغیرهای مدرسه				
دلبستگی به مدرسه	۰/۰۴۴	۰/۰۴۳	-۱/۰۸۹	۰/۲۷۶۸ -
ارزیابی منفی معلمان از نوجوان	۰/۰۷۹	۰/۰۹۳	۲/۱۰۰	۰/۰۳۶۳ *
عملکرد تحصیلی	-۰/۰۳۶	۰/۲۲۰	-۱/۰۵۲	۰/۲۹۳۵ -
(ثابت)		۳/۶۶۶	۲/۱۵۱	۰/۰۳۲۰ *

همبستگی چند متغیره = ۰/۷۲۳ خطای استاندارد = ۴/۳۴۵ = ۰/۰۵ < *

مجذور R = ۰/۵۲۴ F = ۴۲/۲۹۹ = ۰/۰۱ < **

مجذور R تبدیل شده = ۰/۵۱۱ معنی دار بودن F = ۰/۰۰۰۰ = ۰/۰۰۰۱ < ***

همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، هنگامی که تمامی دوازده متغیر در معادله باشند مقدار R برابر با ۰/۷۲۳ است. همچنین میزان تعدیل شده برابر با (۰/۵۱۱) به دست آمده است. معنای این کمیت این است که حدود ۵۱ درصد واریانس رفتارهای انحرافی نوجوانان به کمک یک ترکیب خطی از دوازده متغیر مستقل گفته شده محاسبه می‌شود. نسبت F در این معادله برابر ۴۲/۲۹۹ است که معنی دار بودن را به لحاظ آماری نشان می‌دهد. این مقدار از نظر آماری در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. بدین ترتیب می‌توان گفت مقدار زیادی از واریانس رفتارهای انحرافی نوجوانان (۵۱٪) با دوازده متغیر گفته شده تبیین می‌شوند.

اما باید دید که سهم هر یک از متغیرهای مستقل در این پیش‌بینی چقدر است و تأثیر کدام یک از این متغیرها هنگامی که در معادله رگرسیون چند متغیره قرار می‌گیرند، از نظر آماری معنی دار است.

از سه متغیر رسانه‌های گروهی، میزان در معرض رسانه‌های گروهی بودن با t به دست آمده (۳/۹۵) در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. میزان بتا برای این متغیر ۰/۱۳۵ است. دو متغیر دیگر رسانه‌های گروهی یعنی ترجیح محتوای رسانه‌های خشن با t به دست آمده ۰/۷۶۹ و همچنین میزان تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها با t به دست آمده (۰/۰۱۰) در این معادله رگرسیونی از نظر آماری معنی دار نیستند. در گروه متغیرهای مربوط به خانواده، رفتار انحرافی والدین با t به دست آمده (۳/۸۶) و بتا (۰/۱۴) در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. اما ارزیابی منفی والدین از نوجوان با t به دست آمده (۲/۲۷) و بتا (۰/۰۸۹) در سطح $P < ۰/۰۰۵$ از نظر آماری رابطه معنی دار دارد. و متغیر سوم این گروه یعنی، دل‌بستگی نوجوان به والدین با توجه به t به دست آمده (۰/۴۷۲) و بتا (۰/۰۱۹) رابطه معنی دار با متغیر وابسته رفتار انحرافی نوجوانان ندارد. در متغیرهای مربوط به همسالان رفتار انحرافی همسالان با t به دست آمده (۹/۸۷) و بتا (۰/۴۶۷) در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از نظر آماری معنی دار است. این متغیر نه تنها در این گروه دارای بیشترین رابطه با متغیر وابسته است، بلکه در بین تمامی متغیرهای گروه‌های دیگر نیز بالاترین رابطه را با متغیر وابسته دارد. عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان با t به دست آمده (-۲/۳۴) و بتا (-۰/۰۹۹) در سطح $P < ۰/۰۰۵$ از نظر آماری معنی دار است. متغیر سوم این گروه یعنی ارزیابی منفی همسالان

از نوجوانان با t به دست آمده ($-۱/۴۷$) و بتا ($۰/۰۵۴$) از نظر آماری رابطه معنی داری با متغیر وابسته رفتار انحرافی نوجوانان ندارد.

در گروه چهارم یعنی متغیرهای مربوط به مدرسه، ارزیابی منفی معلمان از نوجوانان با t به دست آمده ($۲/۱$) و بتا ($۰/۰۷۹$) در سطح $P < ۰/۰۵$ از نظر آماری با متغیر وابسته رابطه معنی داری دارد. اما متغیرهای دلبستگی به مدرسه با t به دست آمده ($-۱/۰۸$) و بتا ($-۰/۰۴۴$) و عملکرد تحصیلی نوجوانان با t به دست آمده ($-۱/۰۵$) و بتا ($-۰/۰۳۶$) از نظر آماری در این معادله با متغیر وابسته رفتار انحرافی نوجوانان رابطه معناداری ندارد.

با توجه به رگرسیون چند متغیره محاسبه شده در جدول ۲ از دوازده متغیر در چهار گروه، شش متغیر در این معادله کلی با متغیر وابسته یعنی رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه معنی داری دارند که عبارت‌اند از: میزان در معرض رسانه‌ها بودن، ارزیابی منفی والدین از نوجوان، رفتارهای انحرافی والدین، رفتارهای انحرافی همسالان، عدم تأیید رفتارهای انحرافی از طرف همسالان و ارزیابی منفی معلمان از نوجوان، یعنی هر یک از این متغیرها، هنگامی که وارد معادله رگرسیونی چند متغیره می‌شوند به‌طور معنی داری قادرند میزان واریانس پیش‌بینی (R^2) را در معادله بالا ببرند. به عبارت دیگر با اضافه شدن هر یک از این متغیرها می‌توان پیش‌بینی بهتری از رفتارهای انحرافی نوجوانان به دست آورد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس دیدگاه فرایند اجتماعی، آنچه باعث رفتارهای انحرافی نوجوانان می‌گردد، کیفیت روابط بین نوجوان و نهادهای اساسی اجتماعی مانند خانواده، همسالان و مدرسه است. از مهمترین این نظریه‌ها در این دیدگاه نظریه کنترل اجتماعی است. بر اساس این نظریه افرادی که روابط نزدیک با والدین، دوستان و معلمان دارند خودانگاره مثبتی را در خود شکل می‌دهند که قادرند در برابر وسوسه‌های رفتارهای انحرافی مقاومت کنند. بر همین اساس هیرشی (۱۹۶۹) دلبستگی نوجوانان به خانواده‌ها و دیگر نهادهای اجتماعی را عامل بسیار مهم در تعیین و پیش‌بینی رفتار انحرافی نوجوانان می‌داند. در این پژوهش دلبستگی نوجوانان به والدین و معلمان دو متغیر مستقل مورد بررسی بودند.

همبستگی متغیر دلبستگی نوجوانان به والدین با رفتارهای انحرافی آنان $0/26$ - است که در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی دار است. همبستگی متغیر دلبستگی نوجوانان به مدرسه با رفتارهای انحرافی آنان $0/41$ - است که در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی دار است. رابطه این دو متغیر با رفتارهای انحرافی نوجوانان منفی است. یعنی هر چه دلبستگی به این نهادها کمتر باشد، رفتارهای انحرافی بیشتری در نوجوانان وجود دارد. در تحقیقی که چانگ (۱۹۹۴) در هنگ‌کنگ انجام داد نتایج برای دلبستگی نوجوانان به والدین با رفتارهای انحرافی همبستگی $0/19$ - و برای دلبستگی نوجوانان با رفتارهای انحرافی $0/26$ - به دست آمده که پایین‌تر از همبستگی به دست آمده در این پژوهش است. در تحقیق دیگری که کاپالدی و پاترسون (۱۹۹۱) انجام دادند، نشان داده شد که هرچه جدایی از والدین بیشتر باشد، مشکلات سازگاری بیشتری در پسران دیده می‌شود. بنابراین نتایج این پژوهش با نظریه کنترل اجتماعی و این تحقیقات هماهنگ است. در تحلیل رگرسیونی از رفتارهای انحرافی نوجوانان هنگامی که تمامی متغیرهای دوازده‌گانه وارد معادله رگرسیونی می‌شوند دو متغیر دلبستگی نوجوانان به والدین و دلبستگی نوجوانان به مدرسه از نظر آماری رابطه معنی‌داری با رفتارهای انحرافی نوجوانان ندارد و در چنین شرایطی ظاهراً پیش‌بینی نیرومندی برای رفتارهای انحرافی نوجوانان محسوب نمی‌شوند.

علاوه بر این در این پژوهش متغیر عدم تأیید رفتارهای انحرافی از طرف همسالان به نوعی نظریه کنترل را مورد چالش قرار می‌دهد. زیرا نارضایتی و عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان به نوعی نوجوان را در معرض یک فشار غیر مستقیم برای ترک رفتار انحرافی قرار می‌دهد. همبستگی متغیر عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان با رفتارهای انحرافی نوجوانان $0/48$ - است و از نظر آماری در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. همچنین در تحلیل رگرسیونی از رفتارهای انحرافی بر روی متغیرهای مستقل دوازده‌گانه، بتای متغیر عدم تأیید رفتارهای انحرافی با رفتارهای انحرافی در سطح $P < 0/05$ از نظر آماری معنی دار است. بنابراین در این شرایط نیز با نظریه کنترل اجتماعی هماهنگ است.

بر اساس نظریه برجسب، ارزیابی منفی از نوجوانان و برجسب‌های منفی که به آنها زده می‌شود باعث می‌گردد که یک هویت انحرافی برای آنها به وجود آید و نوجوانان

سعی می‌کنند خود را با این هویت انحرافی هماهنگ سازند. در این پژوهش رابطه سه متغیر میزان ارزیابی منفی والدین از نوجوانان، میزان ارزیابی منفی معلمان از نوجوانان، میزان ارزیابی منفی همسالان از نوجوان با رفتارهای انحرافی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نظریه برجسب هرچه ارزیابی منفی بیشتر باشد، رفتارهای انحرافی هم بیشتر خواهد بود. همبستگی این متغیرها با رفتارهای انحرافی به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۲۹، ۰/۱۸ است. این همبستگی‌ها در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی‌دار هستند. در چنین شرایطی این یافته‌ها از نظریه برجسب حمایت می‌کنند و همچنین با تحقیقات کاپلان و همکارانش ۱۹۸۷ (به نقل از سیگل و سنا، ۱۹۹۷) که برجسب‌های منفی باعث می‌گردد تا نوجوانان ارزشهای اجتماعی را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد، هماهنگ است. در رگرسیون چند متغیره از رفتارهای انحرافی بر روی متغیرهای دوازده‌گانه دو متغیر ارزیابی منفی والدین از نوجوان و ارزیابی منفی معلمان از او با رفتارهای انحرافی در سطح $P < 0/05$ دارای رابطه معنی‌دار هستند، اما ارزیابی منفی همسالان از نوجوان با رفتارهای انحرافی آنها رابطه معنی‌داری ندارد. ظاهراً نوجوانان بزهکار از همسالان خود کمتر برجسب منفی دریافت می‌کنند تا از والدین و معلمان.

بر اساس دیدگاه یادگیری، رفتارهای بزهکارانه همانند دیگر رفتارهای غیر بزهکارانه آموخته می‌شوند. نظریه‌های یادگیری بر روی یادگیری، نگرشها، مهارتها و رفتارهایی که فرد را آماده بزهکاری می‌کنند تأکید می‌نماید. نظریه‌های رفتارگرایی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه پیوند افتراقی در این دیدگاه قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر دو متغیر میزان رفتارهای انحرافی والدین و میزان رفتارهای انحرافی همسالان در چهارچوب دیدگاه یادگیری قرار می‌گیرند. همبستگی رفتارهای انحرافی والدین با رفتارهای انحرافی نوجوانان (۰/۳۶) و همبستگی رفتارهای انحرافی همسالان با رفتارهای انحرافی نوجوانان ۰/۶۷ است که هر دو مقدار در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی‌دار است. در رگرسیون چندمتغیره نیز متغیرهای مستقل دوازده‌گانه با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه معنی‌داری دارند. در یک مطالعه آلتمن (۱۹۸۰) دریافت که رفتارهای تهاجمی در گروه‌های دو یا سه نفری انجام می‌گیرد. بدین ترتیب وجود همسالان منحرف عامل مهمی در بسیاری از رفتارهای بزهکارانه است. همچنین چانگ (۱۹۹۴) دریافت که رفتارهای انحرافی همسالان نیرومندترین متغیر

پیش‌بینی‌کننده رفتارهای انحرافی نوجوانان است. در این پژوهش نیز رفتار انحرافی همسالان بهترین پیش‌بین برای رفتارهای انحرافی نوجوانان است.

بر اساس بعضی نظریه‌ها، شکست در مدرسه باعث احساس ناکامی، خشم و طردشدگی می‌گردد و ممکن است نوجوان شکست‌خورده احساس کند که از طریق قانونی به جایی نمی‌رسد و به همین دلیل از روشهای غیرقانونی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند. همچنین گفته شده است که شکست در مدرسه باعث کاهش عزت نفس در نوجوانان می‌گردد و نشان داده شده است که کاهش عزت نفس با رفتارهای بزهکارانه رابطه دارد (سیگل و سنا، ۱۹۹۷). در این پژوهش بین متغیر عملکرد تحصیلی و رفتارهای بزهکارانه نوجوانان همبستگی منفی (۰/۱۷-) وجود داشت. این رابطه در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی‌دار است. اما در رگرسیون چندمتغیره از رفتارهای انحرافی نوجوانان بر روی متغیرهای مستقل دوازده‌گانه، متغیر عملکرد تحصیلی رابطه معنی‌داری با رفتارهای انحرافی نداشته و پیش‌بین مناسبی برای رفتارهای انحرافی تشخیص داده نشد.

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، یکی از شیوه‌های اساسی یادگیری مشاهده رفتار دیگران است. بنابراین همان‌طوری که رفتارهای اجتماعی از طریق مشاهده یاد گرفته می‌شوند، رفتارهای ضد اجتماعی نیز با همین شیوه آموختنی هستند، اکثر مطالعات انجام شده در این زمینه بر روی این فرضیه استوار هستند که نشان دادن فیلمهای خشن از طریق رسانه‌ها باعث آموزش خشونت به افراد می‌گردد (برای مثال اشتین و فریدریچ، ۱۹۷۲، نقل شده از هیرش، ۱۹۹۷). در این پژوهش تمایل یا ترجیح نوجوان به رسانه‌های خشن یا بدون خشونت و رابطه آن با رفتارهای انحرافی نوجوانان به‌عنوان یکی از متغیرهای مربوط به رسانه‌های گروهی مورد بررسی قرار گرفته است. همبستگی این متغیر با رفتارهای انحرافی ۰/۲۶ به‌دست آمده، که در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنی‌دار است. یعنی هرچه علاقه‌مندی به خشونت در رسانه‌ها بیشتر باشد، احتمال رفتارهای بزهکارانه هم بیشتر است. بنابراین در چنین شرایطی با تحقیق چانگ (۱۹۹۴) در هنگ‌کنگ که رابطه دو متغیر را (۰/۵۶) گزارش کرده است، هماهنگ است. اما در رگرسیون چندمتغیره از تأثیر رفتارهای انحرافی بر روی متغیرهای مستقل دوازده‌گانه ترجیح محتوای رسانه‌های خشن با رفتارهای

انحرافی رابطه معنی دار ندارد و این متغیر پیش‌بین نیرومندی برای رفتارهای انحرافی نوجوانان نیست.

با این حال در این پژوهش رابطه بین متغیر میزان در معرض رسانه‌ها بودن با رفتارهای بزهکارانه مورد بررسی قرار گرفت که مقدار همبستگی بین این دو متغیر ۰/۲۹ است و در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از نظر آماری معنی دار است. در یک بررسی که هینگان و همکاران (۱۹۸۲) انجام دادند نشان داده شد که در فاصله سالهای ۱۹۴۹ تا اواسط دهه ۱۹۵۰ هرچه میزان تأسیس ایستگاههای تلویزیونی در آمریکا بیشتر شد، میزان جرم و جنایت نیز در این مناطق بالاتر رفت (نقل شده از کریمی، ۱۳۷۵). در یک مطالعه دیگری که ستروال^۱ (۱۹۸۹) انجام داد، نشان داده شد ورود برنامه‌های تلویزیونی معمولی به جامعه امروز همراه با دو برابر شدن میزان قتل در جامعه بوده است (نقل از هیرش، ۱۹۹۷). در رگرسیون چندمتغیره از تأثیر رفتارهای انحرافی نوجوانان بر روی متغیرهای مستقل دوازده‌گانه، متغیر میزان در معرض رسانه‌ها بودن با رفتارهای انحرافی دارای رابطه معنی دار است، بنابراین با تحقیقات ذکر شده هماهنگ است. با این تفاوت که در این پژوهش رسانه‌های گروهی شامل فیلم، تلویزیون، روزنامه و مجلات بوده است.

آخرین متغیر مربوط به رسانه‌ها تقلید از شخصیت‌های رسانه‌هاست. تمایل به تقلید در نوجوانان از شخصیت‌های رسانه‌های گروهی با رفتارهای انحرافی آنان همبستگی دارد. میزان این همبستگی ۰/۱۲ است، که کمترین همبستگی در بین تمامی متغیرهای دوازده‌گانه با رفتارهای انحرافی نوجوانان را نشان می‌دهد. این مقدار همبستگی در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از نظر آماری معنی دار است. اما هنگامی که متغیر تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها (همراه با یازده متغیر مستقل دیگر) وارد معادله رگرسیونی برای تبیین رفتارهای انحرافی نوجوانان می‌گردد، از نظر آماری رابطه معنی داری با رفتارهای انحرافی ندارد. بنابراین تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها یک متغیر پیش‌بین مناسب و نیرومند برای رفتارهای انحرافی نوجوانان نیست.

یک تحلیل از تمامی متغیرهای مستقل دوازده‌گانه در این پژوهش نشان می‌دهد که از متغیرهای رسانه‌ها، میزان در معرض رسانه‌ها بودن، از متغیرهای خانواده، ارزیابی منفی والدین از نوجوان و رفتارهای انحرافی والدین، از متغیرهای همسالان، رفتار انحرافی همسالان و عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان، از متغیرهای مدرسه، ارزیابی منفی معلمان از نوجوان، ۵۱ درصد از واریانس رفتارهای انحرافی نوجوانان را تبیین می‌کند. در این میان رفتار انحرافی همسالان قویترین رابطه را با رفتارهای انحرافی نوجوانان دارد.

پیشنهادها

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را عنوان کرد: با توجه به اینکه این پژوهش نشان می‌دهد دلبستگی نوجوانان به خانواده و مدرسه یکی از متغیرهای پیشگیری‌کننده از رفتارهای انحرافی آنان می‌باشد والدین و مربیان مدرسه باید در ایجاد روابط صمیمی و مناسب با نوجوانان بکوشند. علاوه بر این والدین و مربیان از نسبت دادن برچسب‌های منفی به نوجوانان خودداری نمایند، این پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای انحرافی نوجوانان با رفتارهای انحرافی والدین و همسالان رابطه مثبت دارد. بنابراین توصیه می‌شود والدین ضمن اینکه باید خود الگوی رفتاری مناسبی برای نوجوانان خود باشند، در خصوص روابط نوجوانان با همسالان نیز نظارت و دقت لازم را داشته باشند.

مربیان مدارس باید این مسأله را در نظر داشته باشند که شکست در مدرسه باعث احساس ناکامی و طردشدگی می‌گردد و در نهایت با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه دارد. بنابراین باید شرایط آموزشی طوری باشد که احساس ناکامی ناشی از شکست در مدرسه به حداقل برسد.

با توجه به نتایج این پژوهش مسئولان رسانه‌های گروهی باید این مسأله را در نظر داشته باشند که تبلیغ خشونت از طریق رسانه‌ها منجر به رفتارهای انحرافی بیشتری از طرف نوجوانان می‌گردد. بنابراین باید رسانه‌ها از پخش فیلمهایی که در آنها افراد از طریق خشونت به پیامدهای مثبتی می‌رسند، اجتناب نمایند.

ضمیمه

اندازه‌گیری متغیرها

متغیرهای مستقل

در زیر نمونه‌هایی از سؤالهای مربوط به اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته ذکر شده است:

۱- میزان در معرض رسانه‌ها بودن

به‌طور متوسط شبانه‌روز چند ساعت تلویزیون تماشا می‌کنید؟

الف) ۱ ساعت یا کمتر (ب) بین ۱ تا ۳ ساعت (ج) ۳ تا ۵ ساعت (د) ۵ تا ۶ ساعت (ه) بیشتر از ۶ ساعت

به‌طور متوسط ماهیانه چند نوار ویدئویی تماشا می‌کنید؟

الف) هرگز (ب) ۱ مورد (ج) ۲ تا ۳ مورد (د) ۴ تا ۵ مورد (ه) بیشتر از ۵ ساعت

این مقیاس دارای ۵ سؤال است میزان و اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۹۴٪ به‌دست آمده است.

۲- میزان ترجیح محتوای رسانه‌ها همراه با خشونت

برنامه‌های تلویزیونی خشن را دوست دارم.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

از خواندن کتاب‌های جنایی لذت می‌برم.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

این مقیاس دارای ۹ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۹٪ به‌دست آمده است.

۳- میزان تقلید از شخصیت‌های رسانه‌ها

دوست دارم که از رفتار هنرپیشه‌های فیلم تقلید کنم.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

پوشیدن لباس همانند هنرپیشه‌های سینما برایم لذت‌بخش است.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

این مقیاس دارای ۶ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۸٪ به‌دست آمده است.

۴- میزان دلبستگی نوجوان به والدین

به‌طور کلی رابطه شما با پدرتان چگونه است؟

الف) خیلی بد (ب) بد (ج) تقریباً خوب (د) خوب (ه) خیلی خوب

به‌طور کلی رابطه شما با مادرتان چگونه است؟

الف) خیلی بد (ب) بد (ج) تقریباً خوب (د) خوب (ه) خیلی خوب

این مقیاس دارای ۸ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۹۱٪ به دست آمده است.

۵- میزان ارزیابی منفی والدین از نوجوان

از نظر پدرتان شما چگونه فردی هستید؟

الف) خیلی خوب (ب) خوب (ج) نمی‌دانم (د) بد (ه) خیلی بد

از نظر مادرتان شما چگونه فردی هستید؟

الف) خیلی خوب (ب) خوب (ج) نمی‌دانم (د) بد (ه) خیلی بد

این مقیاس دارای ۶ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۳٪ به دست آمده است.

۶- میزان رفتارهای انحرافی والدین

پدر یا مادر شما چقدر سیگار می‌کشند؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

پدر یا مادر شما چقدر اهل دعوا و کشک‌کاری هستند؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

این مقیاس دارای ۸ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۹۱٪ به دست آمده است.

۷- میزان دل‌بستگی نوجوان به مدرسه

به طور کلی من از مدرسه لذت می‌برم

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

اغلب معلمان رفتارهای مناسبی با من ندارند.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

این مقیاس دارای ۸ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۹٪ به دست آمده است.

۸- میزان ارزیابی منفی معلمان از نوجوان

به طور کلی از نظر معلمان، شما چگونه دانش‌آموزی هستید؟

الف) خیلی خوب (ب) خوب (ج) نمی‌دانم (د) بد (ه) خیلی بد

فکر می‌کنم معلمان نسبت به من احساس خوبی دارند.

الف) کاملاً موافقم (ب) موافقم (ج) نه موافق و نه مخالف (د) مخالف (ه) کاملاً مخالفم

این مقیاس دارای ۵ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۷۸٪ به دست آمده است.

۹- عملکرد تحصیلی

معدل کل شما در ترم گذشته چقدر بوده است؟

الف) کمتر از ۱۰ (ب) بین ۱۰ تا ۱۲ (ج) بین ۱۲ تا ۱۴ (د) بین ۱۴ تا ۱۶ (ه) از ۱۶ بالاتر

این مقیاس فقط یک سؤال دارد و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۹۰٪ به دست آمده است.
۱۰- میزان رفتار انحرافی همسالان

دوستان نزدیک شما چقدر سیگار می کشند؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

دوستان نزدیک شما تا به حال چقدر اشیای عمومی و یا متعلق به دیگران را تخریب کرده اند؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

این مقیاس دارای ۱۲ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۸٪ به دست آمده است.

الف) خیلی خوب (ب) بد (ج) تقریباً خوب (د) خوب (ه) خیلی خوب

۱۱- میزان ارزیابی منفی همسالان از نوجوان

از نظر دوستانتان شما چگونه فردی هستید؟

الف) خیلی خوب (ب) خوب (ج) نمی دانم (د) بد (ه) خیلی بد

هنگامی که در کنار دوستانتان هستید چقدر ویژگیهای منفی به شما نسبت می دهند؟

الف) خیلی کم (ب) کم (ج) متوسط (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

این مقیاس دارای ۵ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۴٪ به دست آمده است.

۱۲- میزان عدم تأیید رفتار انحرافی از طرف همسالان

اگر کاری غیرقانونی و خلاف انجام دهید دوستان شما چقدر ناراحت می شوند؟

الف) هرگز (ب) خیلی کم (ج) کم (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

این مقیاس دارای ۶ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۳٪ به دست آمده است.

متغیر وابسته

۱۳- میزان رفتار انحرافی نوجوانان

چقدر سیگار می کشید؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

آیا شبها بدون اجازه والدین بیرون از خانه بوده اید؟

الف) هرگز (ب) گاهی اوقات (ج) تقریباً زیاد (د) زیاد (ه) خیلی زیاد

این مقیاس دارای ۱۳ سؤال است و میزان اعتبار آن از طریق بازآزمایی ۸۴٪ به دست آمده است.

علاوه بر بررسی اعتبار برای هر یک از مقیاسها به صورت جداگانه، برای کل مقیاسها

از طریق بازآزمایی اعتبار محاسبه شد که میزان آن برابر با ۸۶٪ به دست آمد.

منابع

کریمی، یوسف. (۱۳۷۵)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران، ارسباران.

- AULTMAN, M. G. (1980). Group involvement in delinquent acts: A study of offense types and male-female participation, *Criminal justice and behavior*, V7, 185-192.
- BARNETT, O. W., Cindy, L. Miller, P., D. P. (1997). *Family Violence across the lifespan*, California: sage.
- BLACKBURN, R. (1993). *The psychology of criminal conduct: theory, research and practice*, Chichester: John Wilcy and sons.
- BRUINSMA. G. N. (1992). Differential association theory reconsidered: An extension and its empirical test, *Quantitative criminology*, V8, 16-29.
- CAPALDI, D. M., Patterson, G.R. (1991). Relation of parental transitions to Boys adjustment problems, *Developmental psychology*, V27,N3, 489-504.
- CHEUNG. V. W. (1997). Family, School, Peer, and media predictors of adolescent deviant behavior in Hong Kong, *J. youth and Adolescence*, V26, 5, 560-596.
- COLE, D. A. (1991). change in self - perceived Competence as a function of peer and Teacher evaluation, *J. Developmental Psychology*, V27. N4, 682-688.
- COTTERELL, J. (1996). *social networks and social influences in adolescence*, London: Routledge.
- FELSON, R. B. (1996). Mass media effects on Violent behavior. *Annual Review of sociology*. V22,103-128.
- FLOWERS, R. B. (1989). *Children and Criminlity*. London: Greenwood.
- GREEN, D. (1989). Measures of illegal behavior in individual Level deterrence research, *Research in crime and delenquency*, V26, 253-57.
- HERRENKOHI. R. C, Brenda, P. E., Herrenkohl, E. L. (1997). *Preschool antecedents of A dolescent assaultive*.

- BEHAVIOR: A lohgitudinal study, American Journal of orthopsychiatry, V67,N3,422-431.
- HIRSCH, KW. (1997). Media Violence, In wells, A and hakanen, E.A, (eds), Mass media and society London: Ablex.
- HIRSHI, T. (1969). Causes of delinquency, Berkeley, Cal: university of california press.
- HOWE, D. (1995). Attachment theory for social work Practice, London: Macmillan.
- LEAMER, D. G., Kruger, L.J. (1997). Attachment, Self - Concept, and academic motivation in high - school, Students, American Journal of orthopsychiatry, V67.N3,458-491.
- LIEBERT, R.M., Schwartzberg, N.S. (1997). Effects of mass media, In Rosenzweig. M.R. and porter, L.W. (eds). annual Review of psychology. Annul Review, paloalto. CA.
- MCBRIDC, A.A, JOE, G. W., SIMPSON, D. (1991). criminality among inhalant users. Special issue: Inhalant use by Mexican American youth: Findings from Longitudinal study. J. behavioral scienses V13, N3, 315-323.
- SIEGEL, L. J. SENNA, J. J. (1997). Juvenile delinquency theory, paractice and law, (6nd ed), st, paul: west.
- SPRAFKIN, J. Gadow, K., Dussault, M. (1986). Reality perceptions of Television: A preliminary comparion of emotinally disturbed and nonhandicapped chidren, American Journal of Orthopsychiatry, V56, 147-52.